

بهترین شکل به تصویر بکشد. حالا در این فیلم می‌توانید مشکلات یک ناشنوی بزرگسال را به تصویر بکشید. در مورد ایده‌هایمان صحبت کردیم. درخشنده ظاهرا استقبال کرد و گفت که حتما این فیلمنامه را می‌نویسد و تا یکی دو هفته آینده که طرح آن آماده شد، خبر می‌دهد. آن زمان که ما در مورد فیلمنامه صحبت کردیم، پسر ۲ ساله بود. خانم درخشنده قرار بود یکی دو هفته بعد خبر بدهد. الان پسر ۳۳ ساله شده، من نوه‌دار شده‌ام، اما خانم درخشنده هنوز خبر نداده! (با خنده) در واقع من بیست و یک سال است که منتظر جواب خانم درخشنده هستم که خبر سرش خیلی شلوغ است و هنوز جوابی به من نداده.

یعنی بعد از آن، خانم درخشنده را ندیدید؟ دیگری منزلتان نیامد؟

علیرضا رضاییان: (با خنده) هر وقت بمیرم میاد!

دور از جانتان! اگر الان پوران درخشنده بگوید که فیلمنامه را نوشته و می‌خواهد که آن را کار کند...

علیرضا رضاییان: من دیگر قبول نمی‌کنم. چرا این پیشنهاد را به کارگردان دیگری ندادید؟ علیرضا رضاییان: کارگردان دیگری را از نزدیک نمی‌شناسم. زمان بازی در «رابطه» فقط ۱۵ سالم بود، کسی را نمی‌شناختم. آن دوران هم آن قدر مد نبود که کسی را پیگیری کنند و برای خودشان حالا یک کانالی بزنند.

از پوران درخشنده دلگیری؟

علیرضا رضاییان: نه، قطعا نظرش عوض شده. من دلگیری نمی‌شوم از کسی.

در بین صحبت‌هایتان گفتید مغازه مکانیکی دارید، مکانیک هستید؟

علیرضا رضاییان: بله من مکانیک هستم ولی مدتی است که کمرم را عمل کرده‌ام و دیگر نمی‌توانم زیاد کار کنم، به همین دلیل در مدرسه «باغچه‌بان شماره ۶» مشغول هستم و نامه‌نگاری‌های مدرسه را انجام می‌دهم.

فکر می‌کنم انتخاب شغل برای ناشنواها نسبت به بقیه سخت باشد، درست است؟

ثمین سالاریه: سخت است ولی معمولا کارهایی به این افراد پیشنهاد می‌شود که تواناایش را دارند مثلا مکانیک زیاد نیاز به ارتباط ندارد، سرش به کار خودش است. علیرضا رضاییان: همه فکر می‌کنند ناشنوا نمی‌تواند، ولی ناشنوا هوش خیلی خوبی دارد. مثلا من مکانیکی را خودم یاد گرفتم، جایی آموزش ندیدم. من عقل دارم، چشم دارم، دست دارم، پا دارم، می‌توانم کار کنم.

باز یگرتان هم عالی است، این را نگفتید... خودتان به چه سبک فیلم‌هایی بیشتر علاقه دارید؟

بیشتر فیلم‌های اکشن نگاه می‌کنم

چه جالب، منتظر شنیدن هر سبکی بودم بجز اکشن!

چون موقع تماشا کردن فیلم‌ها از صحبت کردن کاراکترها چیزی نمی‌فهمم، فقط از حالت‌هایشان حدس می‌زنم که موضوع داستان چیست. خوب فیلم‌های اکشن نسبت به فیلم‌های دیگر، حرکت و اتفاقات بیشتری دارند تا دیالوگ. (با خنده) بقیه فیلم‌ها را در قسمت قبل و بعدشان می‌فهمم چه اتفاقی می‌افتد.

چقدر بد... حتی تصور چنین موقعیتی آدم را اذیت

می‌کند. واقعا سوال‌هایی که می‌خواستیم بپرسم از ذهنم پرید...

ثمین سالاریه: من در مورد این موضوع در صدا و سیما صحبت کردم، گفتم بباید فقط یک هفته از سال را بگذارد مخصوص شنوا، بقیه سال برای ناشنواها باشد. ببینید شما می‌توانید تحمل کنید؟

علیرضا رضاییان: اصلا برای ناشنواها ارزش قائل نیستند. ثمین سالاریه: راست می‌گویید، واقعا برایشان ارزش قائل نیستند. ناشنوا به خاطر معلولیتش خیلی مظلوم است. من به واسطه کارم همیشه شاهد این هستم که هرگز به خواسته‌های این افراد توجهی ندارند و چیزهایی که می‌خواهند را در اختیارشان نمی‌گذارند. چه چیزی می‌خواهند؟ یک رابط. ناشنواها فقط یک رابط می‌خواهند. مثلا این که صدا و سیما برای برنامه‌ها یک رابط بگذارد یا حداقل زیرنویس کند. به نظرم این کار سختی نیست ولی انجام نمی‌دهند.

من تا به حال به این قضیه فکر نکرده بودم، ولی الان با شنیدن صحبت‌هایتان تازه می‌فهمم که رابط نیاز اولیه ناشنواست و این که ابتدایی‌ترین نیاز این افراد، بزرگ‌ترین دغدغه‌شان شده، جای تاسف دارد.

علیرضا رضاییان: همیشه تبعیض قائل می‌شوند. ثمین سالاریه: بله. در شهرستان‌ها هم که اصلا رابط نداریم، خیلی کم است.

خب گفتید این مسئله را در صدا و سیما عنوان کردید

ثمین سالاریه: ما درخواست‌ها را داده‌ایم نه این که فقط یکی دو بار درخواست داده باشیم و موضوع را رها کنیم. یعنی ما همیشه و مدام این درخواست را به سازمان می‌دهیم، مدام پیگیری می‌کنیم.

جواب این درخواست‌ها و پیگیری‌ها چه بوده؟

ثمین سالاریه: جوابشان این است که زیرنویس کل

من به درخشنده پیشنهاد دادم که ادامه «رابطه» را بسازد. درخشنده ظاهرا استقبال کرد و گفت که حتما این فیلمنامه را می‌نویسد و تا یکی دو هفته آینده که طرح آن آماده شد، خبر می‌دهد. آن زمان که ما در مورد فیلمنامه صحبت کردیم، پسر ۲ ساله بود. خانم درخشنده قرار بود یکی دو هفته بعد خبر بدهد. الان پسر ۲۳ ساله شده، من نوه‌دار شده‌ام، اما خانم درخشنده هنوز خبر نداده!

علیرضا رضاییان: آن زمان هم که در «رابطه» بازی می‌کردم، اصلا رابط ناشنوا نبود. هرچقدر هم که می‌گفتم، صدا و سیما همکاری نمی‌کرد. این روند از آن موقع تا الان، همچنان ادامه داشته و دارد. به دلیل همین تبعیض‌ها، ما ناشنواها کلا خودمان را از جامعه عقب کشیده‌ایم. برای خودمان یک جامعه دیگری تشکیل داده‌ایم. چون در بین بقیه اذیت می‌شویم.

ثمین سالاریه: این‌ها وقتی در جمع خودشان هستند راحت‌ترند. با هم ارتباط می‌گیرند با هم به مسافرت می‌روند. دیگر زیاد به جامعه شنوا نمی‌آیند، اذیت می‌شوند.



خب حالا که به صدا و سینما امیدی نیست، اپلیکشن یا پلتفرم‌هایی مخصوص تماشای فیلم ناشنواها هم وجود ندارد؟

ثمین سالاریه: فقط می‌دانم که در حال حاضر دو پلتفرم نماوا و لیندو هستند که این کار را برای ناشنواها انجام می‌دهند و فیلم‌ها را هم با رابط و هم به صورت زیرنویس پخش می‌کند که بچه‌ها هر کدام را دوست داشته باشند، انتخاب می‌کنند. البته برای استفاده از این پلتفرم‌ها باید اشتراک بخرند و از طریق اینترنت ببینند.

می‌خواستیم سوال دیگری مربوط به همین صحبت‌هایمان بپرسم، اما حرف‌هایمان انقدر تلخ شد که ترجیح می‌دهم بعدتر بپرسم. به نظرم برای این که فضاییان عوض شود، برگردیم به «رابطه»! (هر دو می‌خندند.)

اگر زمان به عقب برگردد، به همان دوران ۱۵ سالگی‌تان؛ باز هم پیشنهاد بازی در فیلم «رابطه» را قبول می‌کنید؟

علیرضا رضاییان: اگر به عقب برگردم، بله باز هم در «رابطه» بازی می‌کنم. اما اگر الان برای بازی در فیلمی به من پیشنهاد شود، نه قبول نمی‌کنم.

دلیل این که الان پیشنهاد بازی را قبول نمی‌کنید چیست؟ الان دیگر حوصله بازی‌گری را ندارید یا از سینما گرا ناراحتید؟

علیرضا رضاییان: هر دو.

شما به قول خودتان از همه چیز زود می‌گذرید. با